

با اینکه نام او را در میان اصحاب امام کاظم (ع) آورده‌اند (برقی، الرجال، ۴۸ - ۴۹، ۵۳؛ طوسی، الرجال، ۳۴۷)، ولی روایتی که ابن‌محبوب به طور روشن از آن امام نقل کند، دیده نمی‌شود (قس: کلینی، ۳۳۰/۳؛ ابن‌بابویه، فقیه، ۱/۱۷۵). و دیگر مواضعی که روایت او از ابوالحسن (ع)، بدون تعیین، دیده می‌شود. درباره امام رضا (ع) علاوه بر اینکه ابن‌ندیم (ص ۲۷۶) و طوسی (همان، ۳۷۲) او را از اصحاب وی شمرده‌اند، روایاتی از ابن‌محبوب به نقل از آن امام (ع) در دست است که در اکثر آنها تصریح شده که ارتباط به صورت مکاتبه بوده است (مثلاً نک: کلینی، ۲۱۶/۱؛ طوسی، تهذیب، ۳۴۵/۶؛ اختیار، ۵۸۵)؛ اما اینکه ابن‌ندیم (همانجا) ابن‌محبوب را از صحابه امام جواد (ع) نیز شمرده، در منابع دیگر تأیید نشده است.

در مورد روایت‌کنندگان از ابن‌محبوب باید گفت در اسانید روایات نام نزدیک به ۱۰۰ تن به عنوان راوی حدیث از وی دیده می‌شود که از مشاهیر آنان حسین بن سعید اهوازی، ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن ابی‌عبدالله برقی، احمد بن محمد سیاری، فضل بن شاذان، ابراهیم بن محمد نفقی، محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب و احمد بن محمد بن عیسی اشعری شایان ذکرند (اهوازی، ۶؛ قمی، ۳۶/۱؛ برقی، المحاسن، ۸؛ ابن‌شاذان، ۴۴۸؛ سیاری، ۷؛ ابن‌طاووس، الیقین، ۴۱؛ ابوغالب، ۸۹؛ ابن‌بابویه، مشیخه، ۴۹؛ برای فهرست مشروحی از آنان، نک: شبیری، جم).

کسی او را، به قول ارجح، پنجمین نفر از شش تن اصحاب اجماع در میان اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) شمرده است (طوسی، اختیار، ۵۵۶؛ قس: همانجا، قول دیگری که به جای وی حسن بن علی بن فضال را قرار داده است). طوسی نیز او را توثیق کرده و از ارکان اربعه در عصر خود شمرده است (الفهرست، ۴۶ - ۴۷، الرجال، ۳۷۲) و نیز در روایات آمده که امام رضا (ع) او را ثنا گفته است (نک: شهید اول، ۷۴).

در منابع پیشین چون رجال کشی (نک: طوسی، اختیار، ۵۵۶) از ابن‌محبوب به عنوان فقیه یاد شده و عناوین آثار یافت نشده و نیز این نکته را تأیید می‌کند، اما عنوان فقیه را در این مورد باید به عرصه فقه روایی محدود شمرد (نک: محقق حلی، ۷).

آثار: مهم‌ترین اثر منتسب به ابن‌محبوب کتاب المشیخه است که احمد بن حسین بن عبدالملک از وی آن را براساس نام مشایخ ابن‌محبوب مرتب کرده است (نک: طوسی، الفهرست، ۲۳، ۴۷؛ نجاشی، ۸۰). گفته شده که این کتاب در میان متقدمان شیعه، بیش از مختصر مزنی میان شافعیان شهرت داشته است (طبرسی، فضل، ۴۱۶). کتاب المشیخه با ترتیب ابن‌عبدالملک، از طریق ابوالحسن ابن زبیر (ه) به ابوعبدالله ابن‌عبدون (ه) و از طریق او به طوسی رسیده (نک: طوسی، همان، ۲۳ - ۲۴، ۴۷، تهذیب، ۱۶۸/۱ - ۱۶۹، الاستبصار، ۱۰۶/۱)، «مشیخه التهذیب»، ۵۶ - ۵۸) و از طریق طوسی نیز به کسانی چون قطب‌الدین راوندی رسیده است (نک: راوندی، ۱۷/۱).

۱۸۸۴م: مرقی، احمد بن محمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م: نیز: Nykl, A.R., Hispano - Arabic Poetry, Baltimore, 1946. بخش ادبیات عرب

ابن‌مجبودی، نک: شهاب‌الدین احمد.

ابن‌محماملی، نک: محاملی.

ابن‌محبوب، حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بن وهب سراد (زراد) بجللی (۱۴۹ - ۲۲۴ق / ۷۷۶ - ۸۳۹م)، از راویان امامی کوفه. طوسی کنیه او را ابوعلی آورده است (الفهرست، ۴۶). اطلاعات درباره زندگی وی برگرفته از گفته‌های نواده او جعفر بن محمد بن حسن است که توسط کنشی نقل شده است (همو، اختیار، ۵۸۴). وهب جد اعلای حسن بنده‌ای از «سند» بود که به زره‌سازی اشتغال داشت و توسط جریر بن عبدالله بجللی، صحابی پیامبر (ص)، آزاد گشته بود. دادن نسبت سراد (زره‌ساز) و بجللی به ابن‌محبوب، به همین مناسبت بوده است (قس: نجاشی، ۴۳۸). تاریخ وفات و عمر او نیز در همین سند گزارش شده، ولی وجود نام بعضی از محدثان متقدم چون ابو حمزه ثمالی (د ۱۵۰ق) در مرتبه شیوخ ابن‌محبوب در پاره‌ای از اسانید، موجب شده تا رجالیان معاصر در صحت آنها تردید نمایند. البته باید در نظر داشت که جز روایت ابن‌محبوب از ابو حمزه که از همان سده ۳ق / ۹م توجه اهل فن را جلب کرده و موجب شده بود تا برخی در امانت ابن‌محبوب تردید کنند (نک: طوسی، همان، ۵۱۲، ۵۸۵؛ نجاشی، ۸۲)، دقت دیگر اسانید اندکی که در آنها ابن‌محبوب از رجال هم طبقه ابو حمزه روایت کرده، نیز می‌تواند مورد تردید قرار گیرد. درباره روایت ابن‌محبوب از امام صادق (ع) که در دو سند (الاختصاص، ۲۳۱؛ ابن‌حجر، ۲۴۸/۲) دیده می‌شود، این را نیز باید افزود که آن هر دو مستند فاقد دقت کافی شمرده می‌شوند.

در ضمن، شاید بتوان روایات او از رجال این طبقه را نوعی ارسال در سند دانست که در آن زمان میان راویان امامی چندان غریب نمی‌نمود. بنابراین در مورد کسانی که نام آنان در اسانید روایات پس از ابن‌محبوب قرار گرفته، نمی‌توان با قاطعیت نظر داد که شیوخ بی‌واسطه او بوده‌اند، چنانکه درباره نامهای واقع شده پیش از ابن‌محبوب نیز می‌توان تردید کرد که راویان مستقیم او بوده باشند. به هر روی طوسی در الفهرست (ص ۴۶) روایت او را از ۶۰ تن از اصحاب امام صادق (ع) مورد تأیید قرار داده و در فهرستهایی که براساس اسانید روایات تنظیم شده، به ویژه در اسانید الحسن بن محبوب اثر شبیری زنجانی، شمار کسانی که ابن‌محبوب از آنان روایت کرده، بسیار بیش از این تعداد است و در میان آنان نام رجالی چون علی بن رثاب، هشام بن سالم جوالبقی، عبدالله بن سنان، علاء بن رزین، محمد بن نعمان صاحب الطاق، عبدالله بن بکیر، علی بن ابی حمزه بطنانی، حسن بن صالح بن حی و ابوالجارود زیاد بن منذر به چشم می‌خورد.

طریق دیگری نیز به روایت تلکبری (هـ) از ابن عقده (هـ) وجود داشته که مورد استفاده طوسی در تهذیب (۱۲۲/۱، ۱۶۸) قرار گرفته و بعدها به دست ابن طاووس رسیده است (نک: ابن طاووس، فلاح السائل، ۲۴۳، ۲۵۹). اگرچه روایات ابن محبوب در تدوین کتب اربعه شیعه بسیار مورد توجه بوده، ولی ترتیب ابن عبدالملک از المشیخة تنها در آثار طوسی و در سطحی محدود، مورد استفاده قرار گرفته است (نک: تهذیب، ۱۲۱/۱، ۱۶۰/۶، الاستبصار، ۱۰۶/۱، ۶/۳؛ قس: نجاشی، همانجا). گویا المشیخة تنها اثری است که از ابن محبوب به متأخران رسیده و در سده ۶ق / ۱۲م مورد استفاده راوندی (همانجا) و حسن بن فضل طبرسی در مکارم الاخلاق (ص ۲۸۱) واقع شده و ابن ادریس گزیده‌هایی از آن را در «مستطرفات» السرائر (صص ۴۸۰ - ۴۸۳) آورده است. در سده ۷ق محقق حلی در المعبر (ص ۵۷، جم) و نیز در سطحی گسترده‌تر ابن طاووس، در آثار خود از آن بهره برده‌اند (نک: ابن طاووس، «اجازات»، ۴۳، الامان، ۸۳، فتح الابواب، ۲۷۱، فلاح السائل، ۱۵۷، جم، محاسبه، ۳۶، الملاحم، ۱۸۳، شهید اول، ۷۴، به نقل از «غیاث سلطان الوری»). در سده ۹ق نیز حسن بن سلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات (صص ۱۹۴ - ۱۹۵) مطالبی از این کتاب نقل کرده و شهید ثانی در سده ۱۰ق حدود ۱۰۰۰ حدیث از المشیخة را برگزیده و در تألیفی گرد آورده بوده است (نک: حر عاملی، ۸۷/۱). گفتنی است که در سده ۴ق ابوسلیمان داوود بن کوره قمی ترتیب دیگری از کتاب المشیخة فراهم کرده بود که در آن احادیث براساس ابواب فقهی مرتب شده بود (نجاشی، ۱۵۸)، ولی ظاهراً چندان مورد اقبال قرار نگرفت (قس: طوسی، الفهرست، ۶۸). از دیگر آثار ابن محبوب می‌توان التفسیر، النکاح، الحدود و الدیات را نام برد (نک: ابن ندیم، ۲۷۶؛ طوسی، همان، ۴۷؛ ابن شهر آشوب، ۳۳). همچنین طوسی (همانجا) از اثری دیگر با عنوان النوادر که در حدود ۱۰۰۰ برگ بوده، یاد کرده که رابطه آن با کتاب المشیخة قابل تأمل است. ابن محبوب به عنوان راوی آثار سلف نیز نقش بسزایی ایفا کرده و بسیاری از اصول و مصنفات شیعه از طریق او به آیندگان رسیده است (نک: ابوغالب، ۸۹؛ طوسی، همان، ۶۲، ۶۴، جم؛ نجاشی، ۱۳۵، ۱۴۰، جم). شایان ذکر است که جز چند مورد، همه موارد مذکور در الفهرست طوسی و الرجال نجاشی برگرفته از فهرست ابن بطة قمی بوده و وی آنها را به واسطه احمد بن محمد بن عیسی اشعری از ابن محبوب روایت کرده است.

از افراد خاندان ابن محبوب نام چند تن دیگر در منابع دیده می‌شود: هارون فرزند حسن (نک: نجاشی، ۴۳۸ - ۴۳۹؛ طوسی، اختیار، ۱۳۸، قس: تهذیب، ۲۳۹/۴، الاستبصار، ۱۰۴/۲)، محمد پسر دیگر وی (همو، الرجال، ۴۰۸) و جعفر فرزند محمد (همو، اختیار، ۵۸۴).

مأخذ: ابن ادریس، محمد السرائر، تهران، ۱۲۷۰ق: ابن بابویه، محمد بن علی، فقه من لا یحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسانی، نجف، ۱۳۷۶ق: همو، «مشیخة الفقیه»، همراه ج ۴ فقه: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن،

۱۳۳۰ق: ابن شاذان، فضل، «مختصر اثبات الرجعة»، مجله تراثنا، ۱۴۰۹ق، شم ۱۵؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م: ابن طاووس، علی بن موسی، «اجازات»، بحار الانوار مجلسی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، همو، الامان، نجف، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۱م: همو، فتح الابواب، به کوشش حامد خفاف، قم، ۱۴۰۹ق: همو، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، همو، محاسبه النفس، تهران، ۱۳۱۸ق: همو، الملاحم و الفتن، نجف، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م: همو، یقین، نجف، ۱۳۶۹ق / ۱۹۵۰م: ابن ندیم، الفهرست: ابوغالب زراری، رساله فی آل عیین، به کوشش محمد علی موجد ابیطحی، اصفهان، ۱۳۹۹ق: الاختصاص، منسوب به شیخ مفید، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۴۰۲ق: اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، به کوشش غلامرضا عرفانیان، قم، ۱۳۹۹ق: برقی، احمد بن محمد، الرجال، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۴۲ش: همو، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث، قم، ۱۳۷۱ق: حر عاملی، محمد بن حسن، امل الآمل، به کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۳۸۵ق: حسن بن سلیمان حلی، مختصر بصائر الدرجات، نجف، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۰م: راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائع، قم، ۱۴۰۹ق: سیاری، احمد بن محمد، التنزیل والتحریف، نسخه خطی کتابخانه مرعشی، شم ۵۲۲۲: شبیری زنجانی، موسی، اسناد الحسن بن محبوب، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعة، تهران، ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ق: طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، ۱۳۹۲ق: طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م: طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش: همو، الاستبصار، به کوشش حسن موسوی خراسانی، نجف، ۱۳۷۵ق: همو، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خراسانی، نجف، ۱۳۷۸ق: همو، الرجال، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م: همو، الفهرست، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه، همو، «مشیخة التهذیب»، همراه ج ۱۰ تهذیب: قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، نجف، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ق: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق: محقق حلی، جعفر بن حسن، المعبر، جاب سنگی، ۱۳۱۸ق: نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ق: بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث

ابن محرز، ابوالخطاب مسلم و به قولی سلم یا عبدالله، موسیقی دان ایرانی تبار و خواننده هنرمند مکی. او در مکه معظمه پرورش یافت و حدود ۱۴۰ق / ۷۵۷م (زرکلی، ۲۲۳/۷؛ بستانی) یا به روایتی قابل تردید ۹۶ق / ۷۱۵م (فارمر، «تاریخ موسیقی»، ۷۸) درگذشت. وی از موالی عبدالدار بن قصی یا بنی مخزوم بود و چهاردهای زرد، قدی بلند و پستی خمیده داشت. پدرش از برده‌داران کعبه و در اصل ایرانی بود (ابوالفرج، ۳۷۸/۱). بنابراین با آنکه او را در موسیقی شاگرد عزة المیلاء (همانجا) و ابن مسجیح (نویری، ۲۸۸/۴) دانسته‌اند، اما به سبب داشتن تبار ایرانی می‌توان شکوفایی استعداد هنری او را جلوه‌ای از فرهنگ ایران تلقی کرد، به ویژه که در شرح حالش نوشته‌اند: برای فرا گرفتن آهنگهای ایرانی سفری به ایران کرده است (همو، ۲۸۷/۴).

ابن هنرمند تا حدی مردم گریز (ابوالفرج، ۳۷۹/۱) و کم معاشرت بود و بیشتر ایام سال را در سفر می‌گذرانید (فارمر، همان، ۷۸-۷۹). بدین جهت به رغم معاصر بودن او با ولید و علاقه‌ای که ولید به آوردن موسیقی دانان از شهرهای مختلف به دربار خود داشت (مسعودی،